



یادداشت های شهر شلوغ

بیژن عبدالکریمی: در مبارزه با آمریکا واسرائیل جانم را برای انقلاب می‌دهم

📌 **شهروند** | باگذشت چند روز از موضوع تصویب قطعنامه ضد ایرانی و مذاکرات جدید با اروپایی ها در ژنو، آهسته آهسته فضای رسانه ای کشور از التهابات و تحلیل های زودرس و بعضا نسنجیده خارج شده و از دیگر سو عرصه برای پرداختن به موضوعات غیر سیاسی و ارائه نقدهای کارشناسی باژر می شود. هرچند سخنان هشدارآمیز عارف در مورد آتانی که دولت را تخطئه می کنند، موج جدیدی در رسانه ها و فضای مجازی بوجود آورد. موجی که دو طرف داشت، برخی خواستار افزایشری بودند و برخی خواستار تعامل و مماشات.

واکنش رسانه ها به سخنان هشدارآمیز «عارف»

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهوری در جلسه ای از اینکه عده ای در ۱۰۰ روزگی به دولت انتقاد کردند، گلایه کرده وهشدار داده که اگر به حملات غیرمنصفانه خود ادامه دهندآ آگاهانه همه چیز را خواهدگفت. این سخنان عارف با واکنش هایی در دو جبهه موافق ومخالف دولت روبرو شد.

• تا حالا کجا بودید؟

بعد از این انتقاد روزنامه سازندگی در مطلبی باتیتر «تا حالا کجا بودید؟» نوشت: باید دولت را تشویق کرد که در گفت وگو با مردم، بگوید که چه تحویل گرفت و کشور در چه شرایطی بود و دولت چقدر اندوخته معنوی ومادی داشت و وضعیتش چگونه بود. غیر از این باشد، دولت همچنان زیر تیغ برنده مخالفان خواهد ماند و مردم نیز به دلیل ناآگاهی ممکن است آنها را همراهی کنند.

• آرامش فعال در برابر منتقدان

آرمان ملی هم با تیتر «آرامش فعال در برابر منتقدان» به ریشه انتقادها از دولتها پرداخت واعلام کرد که ریشه این رفتار به دولت احمدی نژاد بر می گردد. این روزنامه نوشت: «استارت واقعی و پرنرنگ این ماجرا از دولت احمدی نژاد زده شد. جایی که تنها چند ماه پس از روی کار آمدن دولت نهم احمدی نژاد انتقادات تندی را نسبت به دولت خاتمی وارد آورد و دستاوردهای آن دولت را به هیچ گرفت و در نهایت نیز دولت را با آمارهای بسیار انتقادآمیزی تحویل داد. اما پس از وی این میراث به دولت های بعدی رسید.»

• در مدار گذشته نچرخید

روزنامه هم میهن در سرمقاله امروز خود باتیتر «در مدار گذشته نچرخید» نوشت: ظاهرا دولت تحت فشار تندروهای طرفدار دولت پیش قرار گرفته است؛ لذا برای دفاع از خود آستین بالا زده وبه ادبیات غیرمؤثر گذشته رجعت کرده است. امیدواریم آقای پزشکیان همچنان از این ادبیات دوری جویند و به آن آلوده نشوند.

دولت پیش هم چنین ادعاهایی داشت؛ ولی نتیجه چه بود؟ زیان کامل. ولی اینکه از دیگران می خواهید که حملات غیرمنصفانه نکنند و اگر کردند شما هم خواهید گفت چه تحویل گرفته اید؛ ادبیاتی شایسته و در سطح این دولت و مردم نیست.

• ادبیات بگم بگم بر چهره زخمی وفاق

خراسان هم در نقدی با تیتر «ادبیات بگم بگم بر چهره زخمی وفاق» نوشت: کشاندن دولت به حاشیه های سیاسی و منازعات لفظی با منتقدان، تنها منابع و انرژی دولت را هدر می دهد. تهدید به افشاکری درباره شرایط وزارتخانه ها، اگرچه ممکن است در کوتاه مدت فشار منتقدین را کاهش دهد، اما در بلندمدت می تواند اعتماد عمومی به نظام اداری واجرائی کشور را متزلزل کند. مردم انتظار شفافیت و صداقت دارند، نه استفاده نابزای از اطلاعات برای اهداف سیاسی. دولت اگر خواهان تحقق شعار وفاق است، باید انتقادها را نه به عنوان تهدید، بلکه به عنوان فرصتی برای تقویت عملکرد و اصلاح اشتباهات ببیند.

• هنوز چیزی نگفته ایم آقای عارف!

روزنامه «وطن امروز» هم در مطلب انتقادی باتیتر «هنوز چیزی نگفته ایم آقای عارف!» به خطاب به محمدرضا عارف نوشت: چه شده معاون اول رئیس جمهور ناگهان برافروخته شده و منتقدان را به افشای وضعیت دولت در دوره ریاست جمهوری شهید رئیسی تهدید کرده است؟ طی چند ماه شروع به کار دولت چهاردهم، جبهه انقلاب و اکثریت رسانه های آن در قبال دولت به گونه ای رفتار کرده اند که فشاری به دولت وارد نشود. یعنی جریان انقلابی نشان داد بنای فشار به دولت پزشکیان را ندارد. جز یکی دو رسانه که آنها هم مواضع درستی در نقد دولت مطرح کرده اند، باقی رسانه ها و فعالان جبهه انقلاب هنوز وارد نقد صریح دولت نشده اند، بنابراین آقای عارف از چه عصبانی است و از چه برآشفته که تهدید به افشاکری وبگم بگم علیه دولت شهید رئیسی می کند؟

ابهامات درباره مذاکرات آتی در ژنو

اما فارغ از موضوع دولت، در روند سیاست خارجی دولت چهاردهم، به نظر می رسد قطعنامه جدید شورای حکام آژانس و مصاحبه اخیر علی لاریجانی با تأکید بر این نکته که «برجام وحی منزل نیست»، خبر از «مذاکره جدید» و «توافق جدید» می دهد. کوروش احمدی دیپلمات پیشین در شرق در تحلیل سخنان لاریجانی نوشت: هفته گذشته شاهد دو تحول مهم درباره موضوعاتی بودیم که به ناچار در ماه های آتی باید در دستور کار ایران قرار گیرد؛ یکی از این دو تحول مصاحبه آقای علی لاریجانی با سایت رهبری و دیگری قطع نامه آژانس بود.

او ادامه می دهد: روشن نیست که نقش آقای لاریجانی در این قضیه چیست، آیا

نکته دوم این که این مبارزه نمی تواند فقط مبارزه نظامی و سیاسی باشد. مانیا زمند

یک مبارزه اونتولوژیک هستیم و گفتمان انقلاب فاقد این توانایی است. این کار من است، کار من وامثال من است، حاکمیت دست و پای من را بسته و اجازه نمی دهد.

او می افزاید: نسبت تفکر و سیاست باید تغییر کند. یک جاهایی سیاست باید در برابر تفکر زانوی ادب بزند و بیاموزد؛ سیاست نمی تواند همه عرصه ها را به پیش ببرد، به همین دلیل در عرصه فرهنگی ما با بحران عظیم مواجه شدیم، چون سیاست می خواست عرصه فرهنگ را رهبری کند. امروز ما با دو مین شکاف تمدنی در میان نسل های جدید مواجه هستیم، تمام مؤلفه های فرهنگی کشور را انکار کردند و حوزه علمیه ما، قدرت سیاسی ما و گفتمان انقلاب ما مقوله ای برای گفتگو بانسل های جدید ندارد و این به لحاظ سیاسی و استراتژیک بسیار خطرناک است، امر ملی را هم به خطری اندازد. لذا مانیا زمندی تغییر نگاه هستیم تا بتوانیم از این بحران عبور کنیم.

فمینیستی کردن آسیب ها با تحلیل مولوردی

جوان آنلاین به موضوعی اجتماعی پرداخته و با نقد سخنان شهیندخت مولوردی، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در دولت اول روحانی در نشستی که خبرگزاری دولتی ایرنا به بهانه قتل خبزنکار زن خود به دست همسرش و با عنوان «زن کشی» گذاشته، به بررسی گفته های او می پردازد. او با اشاره به اینکه بالای ۷۰ درصد از جامعه ما دارای درجاتی از اختلالات روانی هستند و ما نیاز به یک برنامه جدی و کاربردی در این زمینه داریم، گفته: «وقتی بحث از قانون می کنیم یعنی به دنبال ضمانت اجرا هستیم. باور ما بر این بود که با لایحه منع خشونت می توانیم مجموعه تدابیر را برای زنان داشته باشیم. اگر همین لایحه با همین شاکله تصویب و به درستی اجرا ونظارت شود هم باز می تواند اثر گذار باشد.»

تقلیل خشونت های جنایی در کشور به موضوع خشونت علیه زنان از جمله عواملی است که باعث گمراهی در ارئه راه حل و فمینیستی کردن آسیب های اجتماعی می شود. قتل های خانوادگی معضلی است که باید از راه درست حل شود و در آن مقتول می تواند زن یا مرد باشد، اما جریانی خاص در کشور، آن را صرفا جنایت علیه زنان می بیند و تلاش می کند از مسیر حقوق زنان آن را حل کند که به دلیل شناخت اشتباه موضوع، طبیعا راه به جایی نمی برد.

مولوردی حتی موضوع را به خبزنکار بودن این زن ربط داده، در حالی که این قتل خانوادگی ربطی به شغل مقتول نداشته است.

بگذار در ایران بمانیم و کار کنیم

اما به اقتصاد بپردازیم و ولاد رشد اقتصادی بدون توجه به فیلترینگ، آب در هاون کوبیدن است. در حالی که فعالان اکوسیستم استارتاپی کشور این روزها زیر ضرب فیلترینگ و تحریم، به زحمت در این مسیر سرپا مانده اند، دفاع از روند فعلی فیلترینگ و اشاره به موفقیت هایی در نتیجه این نگاه، صدای بسیاری از فعالان این اکوسیستم را درآورد ه است.

روزنامه ایران نوشت: به تازگی رسول جلیلی عضو شورای عالی فضای مجازی، نمونه های موفق و برنده ناشی از فیلترینگ فعلی را نرم افزار(نشان) و «آپارات» و حتی «دیجی کالا» دانسته و گفته است که این پلتفرم ها در حال حاضر براحتی جایگزین «ویز» و «یوتیوب» و «آمازون» شده اند و مردم هم از این موضوع رضایت دارند؛ موضوعی که واکنش فعالان حوزه استارتاپی را به دنبال داشت.

به عنوان مثال حمید محمدی، رئیس هیات مدیره دیجی کالا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «نفع هیچ کس؛ نه مردم، نه کسب وکارهای دیجیتال و نه حتی حاکمیت در فیلترینگ نیست و رفع آن دغدغهای عمومی است. کسانی که می گویند اگر فیلترینگ نباشد، کسب وکار ایرانی نمی تواند رشد کند، «دانه مهربان تر از ماز» را نشانند. اتفاقا کسب وکارهای دیجیتال از فیلترینگ آسیب دیدند و اعتماد مردم به کسب وکارهای داخلی از دست رفت. رفع فیلترینگ، دغدغهای عمومی است. از آبروی کسب وکارها برای حمایت از فیلترینگ خرج نکنیم. من از مدیران ارشد کسب وکارهای تجارت الکترونیک می خواهم صادقانه بگویند آیا فیلترینگ به رشد کسب وکارشان کمک کرده یا مانع آن شده است؟»

پس لرزه استعفای یک نماینده مجلس

خبر و تحلیلی در مورد مجلس و ارتباطش با دولت هم دیروز گل کرد و نیا زمند دقت و بررسی است. پایگاه خبری نامه نیوز در گزارشی نوشت: «یکی از آسیب های این است که نماینده از اول که وارد مجلس می شود نقشه رسیدن به فلان پست اجرایی را در سر خود ش پبروارد». این جمله ای است که مقام معظم رهبری در آبان ۱۴۰۰ گفته و تاکید کردند که «نمایندگان مجلس دنبال پست گرفتن نباشند.»

به رغم این تذکر شفاف و صریح رهبری اما معضل پله کردن مجلس برای رسیدن به پست اجرایی و حضور در دولت رفع نشده است و همچنان شاهد خداحافظی نمایندگان محترم با خانه ملت و خالی گذاشتن صندلی نمایندگی مردم هستیم!

جدیدترین نمونه اش هم همین اعلام وصول تقاضای استعفای محمد آشوری نماینده بندرعباس است. آقای نماینده با سودای استاندار هرمزگان به رای مردم استان خود پشت کرده و قصد ترک مجلس را دارد! پیش از او هم البته ۴ کرسی پارلمان خالی شده تا برخی وزیر و معاون رئیس جمهور شوند.

این رویه حتما برای مردم و کشور مشکل ساز است و انتقادات جدی به آن وارد است. انتقاداتی که هم متوجه دولت و هم متوجه خود نمایندگان است.

راستی آزمایی یک ادعا: پیوند اجزای چشم اعدامیان ایرانی به بیماران لبنانی!

به تازگی فایل صوتی در فضای مجازی منتشر شده که مدعی است، بیماران آسیب دیده چشمی در لبنان که برای درمان به ایران آمده اند، با «پیوند اجزای چشم» از زندانیان اعدامی ایرانی در یک بیمارستان خصوصی تهران تحت درمان قرار گرفته اند! اکنون پرسش این است این ادعا چه قدر صحت دارد ؟

«دکتر علی هداوند خانی، فوق تخصص قرنیه چشم» شاغل در این بیمارستان با انتشار ویدئویی درباره این خبر توضیحاتی ارائه کرده و گفته: این خبر اساسا کذب و ساختگی است و افرادی با جعل روایت های نادرست ادعاهایی را مطرح کرده اند که نه حقیقت دارد و نه از نظر علمی امکان پذیر است.

به گفته دکتر هداوند خانی، اساسا برداشت بافت چشم از یک انسان فوت شده و پیوند آن به یک انسان زنده، صرفا توسط پزشکی قانونی و با رضایت اولیای متوفی انجام می شود. قرنیه فردی که از دنیا رفته تحویل «بانک چشم» می شود تا برای پیوند قرنیه بیماران نیازمند در نوبت استفاده شود.

هداوند خانی همچنین به پژوهشگر ایرنا گفت: معلوم است فردی که چنین ادعایی را مطرح کرده، نه تنها پرستار نیست، بلکه هیچ نوع اطلاعاتی در حوزه سلامت هم ندارد. زیرا نمی داند به جز قرنیه هیچ جزء دیگری از چشم پیوند نمی شود در حالی که می گوید «اجزاء چشم زندانیان را در می آورند» و به بیماران آسیب دیده پیچر لبنانی پیوند می زنند.

دکتر هداوند خانی افزود: پیوند قرنیه در ایران یکی از اعمال جراحی موفق است و سالانه بیش از ۶ هزار عمل پیوند قرنیه موفق در کشور انجام می شود که همگی تحت نظارت پزشکی قانونی و با استفاده از قرنیه افراد فوت شده انجام می شود و از اساس پیوند قرنیه از فرد زنده در کشور قابل انجام نیست.



درباره مذاکرات آتی در ژنو نیز حاکی از نوعی بلا تکلیفی است.

سخنان سخنگوی وزارت خارجه درباره مذاکره با سه کشور اروپایی در ژنو «راجع به لبنان و فلسطین و مسئله هسته ای» حاکی از این است که هنوز اراده سیاسی لازم شکل نگرفته است. روشن است که مذاکرات ژنو راجع به مسائل ایران و غرب خواهد بود و بعید است نمایندگان آن سه کشور مأموریتی برای مذاکره با ایران در ژنو دربارا ولبنان و فلسطین داشته باشند.

شورای نگهبان به چه کسی گفت که مدیر و مدبّر نیست

حالا که صحبت از علی لاریجانی شد، بد نیست به قسمت دوم مصاحبه اش با تسنیم که دیروز منتشر شد هم اشاره کنیم. علی لاریجانی درخصوص عدم تأیید صلاحیتش در انتخابات ریاست جمهوری گفت: آقایان گفتند که شما صلاحیت ندارید. اما مهم نمی توانستیم چیزی بگوییم. چون یک مرجعی {شورای نگهبان} گفته و این بار هم از آنها پرسیدیم چرا ما را رد کردید؟ گفتند شما مدیر و مدبّر نیستید! حالا نمی دانم، لایذ بر اساس تدبیری این کار را کردند؛ مهم نیست، ولی به نظر من مهم این است که آدم در جایی که فکر می کند می تواند موثر باشد، تلاش خود را ادامه دهد. او می گوید: وقت من هم مقداری آزاد شد؛ ناراضی هم نیستم، این آزاد شدن وقت برای من مثبت هم هست. تا آنجایی که بتوانم یک گوشه ای از کار را بگیرم، کمک می کنم، (کمک من البته الان بیشتر جنبه فکری دارد، من کار اجرایی که ندارم). اگر چنین تصویری هم در مورد من بوده، تصور درستی نبود، چون من فکرمی کنم برای انقلاب باید پیدا کردی.

کسیکه در برابر مبارزه با آمریکا واسرائیل جانش را برای انقلاب می دهد

سخنان داغ تنهادر حوزه سیاست

اقتصاد نیست که منجر به توجه

افکار عمومی می شود. گاهی

سخنان یک روشنفکر و شنای اوبر

خلاف جریان آب، خبرساز و جریان

ساز می شود. بیژن عبدالکریمی

از آن روشنفکرانی است که چند

وقتی است صحبت های نقادانه

اش بویژه در تحلیل جامعه

روشنفکری گل کرده است. او

با همه انتقادهایی که به وضع

موجود دارد، اما به لحاظ سیاسی-

اجتماعی در نسبت با غرب،

می گوید: در برابر مبارزه با آمریکا واسرائیل من جانم را برای انقلاب و نیروهای گفتمان

انقلاب می دهم. او روشنفکران را در این مقطع تاریخی به درک درست نسبت ما با

غرب و ایستادن در سمت درست نزاع فرامی خواند.

اودر قسمتی از مصاحبه اش می گوید: حرف من به حاکمیت و گفتمان انقلاب خیلی

روشن است؛ من در کنار شما هستم. این که نیروهای ملی ما را، قدرت دفاعی ما را

تقویت کردید شاهکار شماسست و من دست همه شمارا می بوسم. در برابر مبارزه

با اسرائیل و آمریکامن حاضرمن جانم را برای انقلاب و برای بچه های گفتمان انقلاب،

برای سپاه، برای بچه های بسیج، برای همه نیروهای مقاومت بدهم. اما دو انتقاد

دارم: بدون انسجام ملی، بدون توجه به ملت، این مقاومت نمی تواند ادامه پیدا کند.